

(توجه داشته باشید: چون مطالب با توجه به تصویر پخش شده بر روی دیتا می باشد لذا قبلا پاورپوینت این جلسه را دانلود نموده و هنگام مطالعه ی این متن یا شنیدن صوت جلسه، با توجه به پاور، ملاحظه بفرمایید. باتشکر)



انتظار میره این ایامی که پر از شوره، پر از حرکت و داغ داغ این حرکت تاریخی هستیم یعنی حرکت پیاده ی نجف به سمت کربلا، از طرفی ادامه ی این حرکت میاد به سمت حرم آقا علی بن موسی الرضا. زائرها با همه خستگیون باز می بینید تا دقیقه 90 پرانرژی هستند، نجف تا کربلا رو پیاده رفته، قبل از اینکه بره شهر خودش باز دوباره میاد حرم علی بن موسی الرضا (سلام الله علیه) عرض ادب کنه برگرده. انشالله اون اثری که خدا به زندگی زائرها تقدیم می کنه قدریش هم به زندگی من و شما عنایت کنه از اون صلوات های مهدی پسند عنایت کنید.

رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي يَفْقَهُ قَوْلِي

امروز خیلی با تصویر کار داریم. مطلبی که گفته می شه به صورت تصویری روی تابلو می تونید ببینید. پله پله به سری مسائلی می خواد گفته بشه درباره حرکت شیعه در طول تاریخ و اینکه خاصه در دوران امامت حضرت صاحب (صلوات الله و سلامه علیه) شیعه چه حرکتی داشت و به کجا رسید؟ و تا امروز این حرکت چگونه بوده؟. همه جلسه ی امروز توی این یه ساعت و نیمی که در خدمتون هستیم برای یه جمله هست. اون جمله رو آخر خدمتون عرض می کنم ان شاءالله.

**آغازهای آسمانی تاریخ زندگی بشر رو می شه در یک مثلث معنوی و نورانی دید:** 1. مکه: محل هیبوط حضرت آدم و حوا و ظهور زندگی بشری با گسترش زمین از زیر کعبه. مکه نزدیک نزول اولین کتاب آسمانی بوده. جایی که حضرت نوح ساکن بود (بین النهرین) 2. عراق: پس از مکه، مرکزیت شریعت و دین الهی میره به سمت کوفه با محوریت حضرت ابراهیم خلیل الله و 3. فلسطین: بعد از آن، هجرت حضرت ابراهیم رو به فلسطین داریم. خیلی از پیامبران بنی اسرائیل در این مرکز حضور داشتند و فعالیت می کردند. دو تا از پیامبران اولوالعزم بعد از حضرت ابراهیم هم این نقطه (بیت المقدس) مرکز فعالیتشون بوده: حضرت موسی و حضرت عیسی (سلام الله علیهما)، در نهایت ظهور پیامبر خاتم و بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) برمی گرده به کجا؟ مکه.

ما با این مثلث قدری کار داریم شما اگر جمله ی «نقشه جغرافیای شیعه» رو به جستجوی اینترنتی داشته باشید، این تصویر رو می تونید مشاهده کنید.

**سوال؟ با توجه به اهمیت مکه و بیت المقدس، چرا در مَصابِ حق و باطل، توجه خط امامت اومد به سمت رأس و نقطه ی شرقی؟**  
به سمت عراق؟ (در تاریخ امامان: رأس غربی مثلث، کانون های باطل بوده و رأس جنوبی مثلث کانون های جاهل بوده!) حالا می بینیم که توجه خط امامت میاد به رأس شرقی! (اون جاهایی که در نقشه سبز کم رنگه مسلمان هستند، اون جایی که سبز پررنگه شیعه هستند. البته این تصویر مال چند سال پیشه، یعنی تازه نیست، تصویر رو هم شیعیان نگرفتند، کار داخلی نیست، کار غریبه هاست. بنده در رصدی که انجام دادم آمار شیعیان به صورت دقیق مشخص نیست که به جای داخلی بیاد گزارشی بگیره بگه آمار شیعیان در دنیا فلان اندازه است.) نکاتی رو خدمتون عرض می کنیم تا به این نتیجه برسیم که با توجه به اینکه در تمام کره زمین خب انسان هایی هستند و فعالیت می شه انجام داد، کار فرهنگی میشه کرد، **چرا توجه خط امامت میاد به سمت ضلع شرقی؟!**

- 1- مزار شش تا از امامان ما در عراق هست: حضرت علی بن ابیطالب، حضرت سیدالشهدا، حضرت امام موسی کاظم، حضرت جواد الائمه، حضرت هادی و امام عسکری (علیهم السلام). با توجه به اینکه اهل بیت کجا بودند؟ مدینه. خط امامت آمد به سمت کجا؟!... نکته داره، خدمت تون عرض خواهم کرد.
- 2- مزار امام هشتم (علیه السلام) در منتهی إلیه ضلع شرقی.
- 3- مهد تربیت و آماده سازی نیرو و تشکیل جامعه ی شیعی در گستره ی جهان اسلام رو شما می تونید با محوریت بین النهرین و ایران ببینید. اون دو نقطه ای که مشخص شده.
- 4- از زمان امام باقر به ویژه دوران امام صادق (سلام الله علیهما) شهرهایی همچون کوفه و قم شهرهای شیعی شد و خیلی زود هویت شیعی گرفت. (از قرن چهارم هجری، یعنی تقریباً یک صد سال بعد از تولد حضرت صاحب (صلوات الله و سلامه علیه) شیعه در ایران رشد چشم گیری داشت. ولی از زمان امام باقر و دوران امام صادق شما در قم به ویژه و شهرهای مختلفی در ایران، می بینید که شیعه در اون جا رشد پیدا کرد...)
- 5- کانون تجمع بزرگان و علمای شیعه در کوفه و قم بود.

6- آغاز دوران امامت حضرت حجت (عج) دو ظهور علنی داشتند: یک - آغاز امامتشون، در واقع هنگام شهادت پدر بزرگوارشون که آمدند بر بدن پدر بزرگوارشان نماز خواندند. اولی چقدر اهمیت داره؟! خیلی. دومی هم قطعاً باید خیلی حائز اهمیت باشه. دو - دوم کجا بود؟ یه عده شیعیان از ایران حرکت کردند آمدند (شاید حدود چهل نفر) که امام عسکری و امام پس از ایشان را زیارت بکنند، اما دست خالی برگشتند و جواب رد گرفتند! مسئله ی دیدار در اون شرایط حساس به راحتی امکان پذیر نبود! و نمی شد این ملاقات به راحتی اتفاق بیافته. جواب رد گرفتند. داشتند برمی گشتند که یه پیکی از سمت امام آمد به این ها گفت «می خواستید حضرت رو ببینید دنبال من بیاید.» همه این ها آمدند. حضرت حجت رو ملاقات کردند. زیارت داشتند با حضرت، و صحبت هایی اون جا انجام گرفت. 7- نائب اول خیلی زود مرکز نیابت را از سامراء به بغداد که محل شیعه نشین آنجا بود منتقل کرد. ایشان اومد مرکز نیابت رو به بغداد منتقل کرد. ببینید توجه خط امامت داره میاد به سمت ضلع شرقی.

8- نائب اول (عثمان بن سعید) یه شیعه برجسته ی قمی رو به عنوان دستیار اول انتخاب کرد و ایشان رو از قم فرستاد به بغداد. ظاهراً احمد بن اسحاق قمی باشه. (احمد بن اسحاق الان کجا دفنه؟ در کرمانشاه، اگر تشریف بردید کرمانشاه، به گمانم نزدیک پل ذهابه، یه پلی هست اون جا دفن هستند) احمد بن اسحاق قمی یکی از وفاداران به مکتب اهل بیت و یکی از اساتید در دوران زندگی مبارک امام حسن عسکری (علیه السلام) و دوران امامت امام عصر (ارواحنا فداه) بود که بالاخره خدمت کرد در طول عمرش.

9- نایب سوم: حسین بن روح نوبختی که اصالت ایشان، ایرانی ست.

خب این همه آدم در نقاط مختلف عالم! درسته؟ و اهل بیت هم به همه جا توجه داشتند. در طول تاریخ هم پیامبران برای همه جا آمدند. 124 هزار پیامبر واسه همه جا آمد. ببینید این مرکزیت داره به سمت کجا میره! یواش یواش قلب پیدا می شه، مغز پیدا میشه. ( و دشمن هم بخواد بزنه اگه زرنگ باشه دست و پا رو نمی زنه، کجا رو می زنه؟ قلب می زنه. می گه اگه قلب رو بزنی باقیش رو هم از کار انداخته ام! قلب تپنده کجاست؟ اون مرکزیت به کدام سمت داره میره؟! )

10- شما تو وکلا و یاران خاص حضرت افرادی می ببینید که القابی دارند همچون: اهوازی، همدانی، رازی، قمی... یاران حضرت القابشون این تیبی بوده، یعنی کجایی بودند؟! ایرانی، ما نمی خواهیم بگیم که ماست ما شیرینه ها، نه، اما می خواهیم ادعا کنیم که انصافاً یاری صورت می گرفته.... جونش رو می داشت کف دستش، بلند می شد می رفت خدمت حضرت، و می گفت من در خدمتم، مثل میت هر چه شما بگی می گم چشم. کار می کرد...

11- بعد از اقامه نماز بر بدن امام عسکری (علیه السلام) خواص شیعه این دو جغرافیا (یعنی ایران و عراق) آمدند و با حضرت حجت بیعت کردند.

12- در بین شیعیان عراقی (به خصوص سامرا و بغداد) تفرقه‌ها و ریزش‌های موقتی‌ای صورت می‌گرفت، به زمان ریزش داشت، به زمان رویش داشت بالاخره از جهت اعتقادی تحت تاثیر حکما و خلفای عباسی و فتنه‌گری‌های جعفر قرار می‌گرفتند، اما جالبه با توجه به راه دور قم با آنجا، در بین شیعیان قمی شما هیچ وقت نمی‌بینید به همین اتفاقاتی بیافته. بریزن به هم، ضعف داشته باشند، در واقع عیج گونه تزلزل و ریزشی در قم اتفاق نیفتاد. قم به سیر صعودی داشت.

13- در آغاز غیبت کبری (بعد از 69 سال غیبت صغری) با مدیریت پنهان حضرت صاحب دو یار و دو نیروی ریشه‌ای تربیت شدند، این دو یار یکی شون از یک جغرافیاست (ایران)، و دیگری از جغرافیای دوم! (عراق و بغداد) که این دو جغرافیا هم ضلع شرقی ست. می‌تونید اسم بیرید؟ سمت عراق کدوم بزرگوار بود؟ از سمت ایران کدوم بزرگوار؟ هر دو تا شون هم امروز کتاب‌هایی دارند که جزء کتاب‌های خاص مهدویت‌ه و که ازش استفاده می‌کنند. به ویژه یکی شون که اسم کتابشو همه من و شما شنیدیم.

یکی از این بزرگواران «شیخ مفید»: به نام محمد بن محمد بن نعمان اسمش مُحمد بود از الاکبری بغداد، تقریباً 10 فرسخی بغداد که خیلی فاصله نداره تا بغداد، محمد بن محمد بن نعمان متولد شد. پدرش معلم بود، او از پدرش به عنوان استاد علم و اخلاق کسب فیض می‌کرد، همچنین در جلسات مختلف می‌نشست، توی 5 سالگی اجازه روایت گرفت (اجازه روایت رو به کسی می‌دادند که به یک مرحله‌ای از علم برسه که بزرگان از مجتهدین به او بگن عیب نداره تو بری بالای منبر و قال الصادق و قال الباقر بگی. (خب الان دیگه به مقداری هر کسی گاهی می‌بینید شروع می‌کنه به صحبت کردن، مثل بنده بی‌سر و پا) اون موقع این‌طوری نبود. اگه کسی می‌خواست صحبتی کنه و روایتی بخونه، باید اجازه‌ی روایت می‌گرفت. شیخ مفید در چند سالگی اجازه روایت گرفت؟ در پنج سالگی! ما تازه تو پنج سالگی حروف الفبا رو، آب بابا اینا رو یاد می‌گیریم، ایشون توی پنج سالگی اجازه روایت گرفت.

می‌خواید واسه امام زمان (عج الله) مفید باشیم؟ یکی از شاخصه‌هاش این بود که به شدت فعال فرهنگی بود. ایشون بسیار دغدغه داشت که ترویج دین بشه، تبلیغ دین بشه، این قدر پیگیر بود که گاهی می‌رفت تو کوچه بازار ببینه کی زرنگ تره، کی تیزه، این تیزه‌وشا رو انتخاب می‌کرد، بعد باهشون کلاس می‌داشت دوره می‌داشت، واقعا کار می‌کرد و کار مفید می‌کرد! (من به جلسه‌ای رفته بودم، گفتم اگه این جلسه تشکیل نشه چه اتفاقی می‌افته؟ گفتن هیچی، گفتم این جلسه رو به جور دیگه برگزار کنید که اگر تشکیل نشد بگین که این ضعفه! باید تشکیل بشه، وقتی تشکیل می‌شه این فایده رو داره) گاهی که ایشون می‌دید بچه‌ای خیلی زرنگه اما

به خاطر فقر مالی، خانواده اش اینو گذاشتند سر کار، که بره کار کنه پول بیاره خونه، مُحمد بن محمد نعمان معروف به شیخ مفید می‌رفت با پدر مادرش صحبت می‌کرد، می‌گفت من حاضرم پولی که ایشون میاره خونه رو به شما بدم که اینم بیاد دروس دینی و الهی رو یاد بگیره... ببینید درد داشت، سوز داشت.

می‌خواید واسه ی حضرت مفید باشیم؟ در زمان ایشون گاهی جلساتی برگزار می‌شد که هم شیعه می‌نشستن هم سنی، گاهی یه عالم سنی صحبت می‌کرد، گاهی یه عالم شیعی صحبت می‌کرد، حالا اگر بیشتر از اهل سنت بود اما بالاخره جلسات مشترکی هم بود، شیعه خیلی پا نگرفته بود (نمی‌خوام بگم شعورشون می‌کشید کنار هم و در جمع بشینن بعد آگه یه بحثی شد تو بحث علمی با سند و مدرک مسائل خوب و جرعه‌های خوب، و اتفاقات خوب می‌افته. مثل الان نبود که بعضی به سر کله ی همدیگه دعویابی اند، دیدید این بچه‌های کوچیک رو که زورشون نمی‌رسه می‌گه «می‌زمنت» بعد نمی‌تونه بزنه «فحش می‌ده» بعضی‌ها هم چون رشد نکردند کاراشون بسیار کودکانه است) می‌ومدند تو جلسه می‌نشستن دور هم و از بحث استفاده می‌کردن، حالا استاد هر کی می‌خواد باشه، آگه مطلبی بود به عقلشون جور در نمی‌ومد سوال می‌پرسیدن، آقا محمد، استادی داشت به نام مظفر بن محمد ابوالجیش، ظاهراً از اساتید اهل سنت اون زمان بود شیخ مفید هم تو جلسه نشسته بود، جمعیتی نشسته بودند، یکی از این شاگردان اهل سنت سوالی پرسید (من فقط جریان رو نقل می‌کنم و تحلیلی نمی‌کنم) گفت استاد نظرتون در رابطه با غدیر چیه؟ استاد گفت غدیر روایت، من کنت مولا فهذا علی مولا، گفت نظرتون درباره یار غار پیغمبر چیه؟ گفت اون درایته! (درایت یعنی عملاً اتفاق افتاد، روایت یعنی زبانی فقط گفته شد) بعد استاد گفت: و درایت بر روایت مقدم است.

شیخ مفید دستش رو بلند کرد. گفت استاد سوال؟ گفت بفرما. گفت اگر کسی مقابل امام مسلمین خروج کنه، حکمش چیه، استاد گفت کافره، اهل سنت معتقدند که اگر کسی مقابل امام مسلمین خروج کنه کافره، شیخ مفید ادامه داد: آیا قبول دارید طلحه و زبیر و عایشه در جنگ جمل با امام مسلمین جنگیدن؟ استاد گفت: بله درسته، ولی توبه کردند، شیخ مفید میگه: «جنگ با امیرالمومنین درایت و اینکه توبه کردند روایت!! و درایت بر روایت مقدمه.» با همین استدلال کفر اینها رو ثابت می‌کنه! استاد موند و جمعیت! رو

کرد به این شاگرد و چشم تو چشم نگاهش کرد و گفت «أنتَ الْمُفید» از اینجا بود که او معروف شد به شیخ مفید... حضرت صاحب به ایشون نامه نوشت به محمد بن محمد بن نعمان «لِلْأَخِ السَّدِيدِ الْوَلِيِّ الرَّشِيدِ الشَّيْخِ الْمُفِيدِ...» خود حضرت صاحب هم فرمودند نامه ای به برادر سدیدم! رَجُلِ السَّدِيدِ در عرب به کسی می‌گن که بیشتر به شکافهای اجتماعی و رفع معزلات اجتماعی می‌پردازه... می‌گه تو کسی هستی که معزلات رو رفع و حل می‌کنی، چاله چوله‌ها رو ... صرفاً یه کاری انجام بدیم نه، معزلات اجتماعی رو حل کن. می‌گه اخ السدید، ببینید ولی خدا بی خود برچسب نمی‌زنه، قرار نیست هندوانه زیر بغل بذاره، با هیچ کس هم

پسر خاله نیست، می‌فرماید «لِأَخ» همین لِأَخ کلی حرف داره، نامه ای برای برادرم! لِأَخ السدید... بعد می‌فرماید «الولی الرشید» ولیّ به کی می‌گن؟ سرپرست... رشید به کی می‌گن؟ به کسی که پخته ست، آی حضرت محمد بن محمد بن نعمان رو دوست داشت، چرا؟ به دلیل همین دلیل که تو این چهار جمله ی خطاب حضرت به او می‌بینید... بعد حضرت حجت بفرمایند: الشیخُ المفید...

می‌خواید برای امام زمان (عج) مفید باشید؟؟ سال 336 هجری قمری ایشون متولد شد. بعد از 50 سالگی حدود 10 سال جنگ‌های مختلفی در بغداد اتفاق افتاد، که ایشون سه بار تبعید شد (خب اینکه یه کسی رو تبعید می‌کنند یعنی چه جوریه این طرف؟ یعنی استخون توی گلوست، یعنی خار تو چشمه) تبعیدش می‌کنن، می‌گن برو بیرون، رو اعصابه دشمن بود، انداختش بیرون، باز دوباره آمد، باز دوباره انداختنش بیرون... طی 10 سال، 15 سال شیخ مفید سه بار از بغداد تبعید شد و باز دوباره برگشت، آی کار می‌کرد، هرکاری هم نمی‌کردها، می‌گفت مگه ما چقدر وقت داریم، اون خلاء ها رو می‌رفت پر کنه... هر جایی کلنگ بدست نمی‌گرفت بزنه، می‌گفت اینجا بزمن فایده داره؟ اگه فائده داشت در راستای هموار نمودنش وقت می‌داشت.

الشیخ المفید، حدود 77 سال زندگی کرد، توی این 77 سال حدود 200 تا کتاب تألیف کرد!!! یعنی میانگین اگر از ابتدای تولدش، سالی یه کتاب بنویسه با اون تشکیلات ضعیفی که قدیم بوده (گاهی هیچی نبوده، گاهی تو خودکار و قلم می‌موندند، لوازم تحریر نبود سرچهار راه که زود برن بخرن بیارن! یا سیستم باشه تا تایپ کنند و از این حرف‌ها... یا تحقیقات به سرعت انجام بشه! کلی زحمت می‌کشیدند بعضی از نسخ هم که به راحتی خونده نمی‌شد، یکی باید کارشناس باشه و با ذره بین گذاشتن بفهمه داخل این کتاب چی نوشته شده؟! سید بن طاووس می‌گه کتابی از دل خاک پیدا کردم، می‌خوره مال دویست سال پیش باشه! سخت بوده، مثل الان راحت شما هر موضوعی رو بخوای در اینترنت یا نرم افزارهای تخصصی میزنی، پنج میلیون مطلب در موردش باز می‌شه به سرعت) شیخ مفید در 77 سال سنش با اون شرایط 200 تا کتاب تألیف کرد، یعنی از بدو تولد که این چشم باز کنه اگر بنویسه، سالی دو و نیم کتاب، تقریباً سالی دو نیم کتاب نوشت، بعضی از ماها سالی دو تا کتاب نمی‌خونیم، آقای قرائتی می‌گفت «علامه مجلسی زیر نور ماه، 110 جلد بحار الانوار نوشت و ما زیر نور پروژکتور یه جلدش رو هم نخوندیم!»

شیخ مفید حضرت زهرا (سلام الله علیها) رو در خواب می‌بینه، می‌گه در خواب دیدم که حضرت زهرا(مرضیه دست حسن و حسین (علیهم السلام) رو گرفتند و آوردند پیش من و فرمودند: شیخ مفید بیا به بچه‌های من درس دین یاد بده، می‌گه من خیلی تعجب کردم از خواب بیدار شدم تعجب بیشتر که - العیاذ بالله - من کجا، حسن و حسین کجا؟! بعد می‌گه دیدم یه مادری دست دو تا بچه اش رو گرفته و همون صحنه تکرار شد! گفتم ها یه خبری هست،

و این دو تا بچه شدند کیا؟ سید مرتضی و سید رضی. (همین سیدرضی خودمون تو وکیل آباد می‌ری سمت امامیه... سیدرضی چیه؟! «سید رضی» ببینید چی خدماتی داشته! یکی از کسانی که به شدت تو خدمت به اسلام تاثیرگذار بود.

شیخ مفید، خب ایشون هم ضلع شرقی، این‌ها به هدایت پنهان حضرت بوده‌ها، اینکه حضرت نامه نوشتند گفتند که فلانی تو فتوا بده ما هواتو داریم به کی بود؟ به شیخ مفید. در اون فتواش که خانم باردار از دنیا رفته بود و بچه‌ای در رحم و دیگه وقت گرفته نشه خودتون به متون مراجعه کنید...

خب نفر دوم: شیخ صدوق: کتاب کمال الدین و تمام النعمة / شیخ صدوق / که تقریباً مال هزار و صد سال پیشه. امام زمان آمدند به شیخ صدوق فرمودند که کتاب بنویس درباره غیبت که توضیحاتی در جلسه منبع شناسی در این باره مطرح شد. شیخ صدوق به دستور حضرت کتاب می‌نویسه کمال الدین و تمام النعمة. خوب ایشون هم در سمت رأس شرقی بود.

14- سفر تحمیلی سه امام به دو مرکز: امام کاظم و امام جواد(س) به سمت بغداد و سفر تحمیلی امام رضا به ایران. البته بعد از یه مدتی سامراء کم‌رنگ شد. یاقوت حموی میگه قبلاً سامرا شلوغ تر بود اما بعدها رفت و آمد در آنجا بسیار کم شد و تقریباً متروکه شد...

(به آقای ست به نام یاقوت حموی، آیا کسی ایشون رو می‌شناسه؟ یه جورایی مختصات شهرها و کشورهای مختلف رو در کتابی از خودش به یادگار گذاشته. چه جوری شده که ایشون یکی از افرادی شده که از کتاباش استفاده می‌کنن، یاقوت حموی کوچولو بود دزدیدنش، ظاهراً بردنش و فروختنش به کسی، یه ارباب بالای سرش بود، این ارباب اینو می‌فرستاد بازار، می‌گفت برو بازار مثلاً کار تجاری اینا برگرد. این رفت بازار، دست به بازارش خوب از آب در اومد، تاجر خوبی شد، ارباب دید این پسر خوبیه، مورد اعتماد، و اهل تجارت هم هست، می‌فرستادش به شهرها و کشورهای دیگه برای تجارت...

یاقوت حموی هر کشوری می‌رفت خاطرات اون کشور رو می‌نوشت، مثلاً می‌گفت اومدم اینجا یه همچین چیزی دیدم، می‌نوشت، می‌رفت یه کشور دیگه شروع می‌کرد یادداشت کردن. مثلاً می‌گه یه شهری رفتم دیدم جلوی هر خونه‌ای یه قبره! نگاه کردم همه بچه‌های کوچیک اند، یه ساله! دو ساله! چند ماهه! تعجب کردم، پرسیدم گفتن علتش اینه که ما قبرها رو اینجا گذاشتیم اولاً یاد مرگ باشیم. [مثل ما مشهدی‌ها که سالی یه بار بهشت رضا نمی‌ریم، بریم هم یاد مرگ؟! این قدر روشو تزئین کردند که می‌ریم اون‌جا سیزده! بچه‌ها رو ببریم اون‌جا حال و هوا عوض کنن... میت رو داره می‌زارن زیر خاک و دفن می‌کنند، این میت یه ماه دیگه گوشش متلاشی می‌شه، دو ماه، سه ماه بعد استخوانهاش از بین می‌ره، پوسیده میشه!! توجهی نداره که

خودت هم بالاخره چند روز دیگه زودتر یا دیرتر میای زیر همین خاک، چه اتفاقی بیافته، چه کار کرده ایم، بعضی‌ها روح بزرگی دارند، رو جسمشون هم اثر داره، جسمشون سالم می‌مونه، کرم‌ها نزدیک نمی‌شن، موجودات، حشرات نزدیک نمی‌شن! روح قوی داره به جسم هم سرایت می‌کنه. به این فکر بکنه که بالاخره پس از امروز فردایی هست! می‌ره قبرستون همون جوری که رفته همون جوری برمی‌گرده! [می‌گفت قبرها جلوی خانه ست، بعد پرسیدم: چرا دو سه ساله؟ می‌گفت این سن مفید شونه (ما که سقط جنینیم) می‌گفت این سن مفیدشه! یعنی دو سال در عمرش مفید بوده، دو سال و مثلا دو ماه، سه سال و یک ماه! سن مفیدش رو رو قبر زدیم! توجه داشته باشیم کار مفید انجام بدیم...

**15- گستره جغرافیای سازمان وکالت رو روی تصویر ببینید:** تصویر رو به قدری نزدیک تر می‌کنم... در این چهار مرکز که الان دونه دونه جزئیاتش رو خدمتون عرض خواهیم کرد سازمان وکالت گسترش پیدا کرد: یعنی پل رابط از سمت ائمه (علیهم السلام) به این مناطق ارسال می‌شد، در زمان پیامبر این اتفاق تا حدی در مناطق مختلف از سمت پیامبر اکرم (ص) صورت گرفت. (خب اگر تصویر رو مشاهده می‌کنید من اشاره می‌کنم سمت راست تصویر) 1- خراسان، ماوراءالنهر، شهرهای سمرقند، بخارا، مشهد، نیشابور، مرو، پیشاور، قندهار، سیستان بلوچستان، کرمان، قائن، بلخ) این‌ها همه اون سمت بود، وکلا در اون مناطق ارتباط داشتند. 2- غرب ایران و عراق (وسط تصویر مشاهده می‌کنید) تهران، قم، کاشان، آذربایجان، اصفهان، شوشتر، کرمانشاه، سامرا، بغداد، کربلا، نجف، کوفه وکلای اهل بیت و سازمان وکالت اون‌جا گسترش پیدا کرده بود. 3- ناحیه جزیره العرب، جنوب، بحرین، یمن، صنعا، نجد، حجاز، مدینه، مکه این‌ها پل ارتباطی بود و 4- ناحیه شمال آفریقا که سمت چپ تصویر می‌بینید، مصر، مغرب، قاهره، اسکندریه و یک سری از شهرهای کوچک دیگه که نقشه این چهار منطقه در کتاب اطلس شیعه آمده.

**16- شاید بهتر باشه بگیم این بسترسازی‌ها در شرق، مرهون خدمات یه آقایی بزرگواری بود، ایشون خیلی اثرگذار بود، ده سال در مدینه دو شادوش پیامبر اکرم بود. بله، "سلمان فارسی" اون طوری که بنده رصد کردم پاک‌ترین و خالص‌ترین بیعت در غدیر با علی بن ابی طالب (علیه السلام)، بیعت سلمان فارسی بود.**

« یا ایها الذین آمنوا من یرتد منکم عن دینہ فسوف یتى الله بقوم یحبهم و یحبونہ... » (مائده/54) ای کسانی که ایمان آورده‌اید - خوب دقت کنید به ترجمه - هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی دیگر را می‌آورد که آنان را دوست دارد و آنان نیز او را دوست دارند، آنان با مؤمنان فروتن و برابر کافران سرافرازند، در راه خدا جهاد می‌کنند، از سرزنش هیچ ملامت‌گری نمی‌ترسند و این فضل خداست.



این آیه که نازل شد، اصحاب گفتند: (گروه دیگری خواهد آمد؟ ما اینجا پس چی کاره هستیم؟ که بعد خدا این‌ها رو دوست داره، این‌ها هم خدا رو دوست دارند. سوال کردند) یا رسول‌الله این‌ها کیا هستند؟ سلمان فارسی هم ایستاده بود اون‌جا، حضرت دست گذاشتند رو شونه‌ی سلمان فرمودند: "هَذَا وَ زَوْوَه" سلمان و همولایتی هاش.

حالا شاید ما قند تو دلمون آب بشه که خب الحمدلله هم ولایتی سلمان ماییم دیگه، ایرانی‌ها... خوشحال بشیم بگیم الحمدلله ما هستیم، بفرمایند آیه رو کامل بخونید: «كسانی که اذلة علی المؤمنین در برابر مومنین سر به زیرند، متواضعند، آبروی همدیگه رو نمی‌برند، زیر پای همدیگه رو خالی نمی‌کنند، پشت سر همدیگه غیبت نمی‌کنند، رعایت حق و حقوق همدیگه رو دارند. یه طوری زندگی می‌کنند که عزت همدیگه حفظ بشه، اذلة علی المؤمنین من چه جور می‌تونم به شما عزت بدم: به اینکه من دلیل باشم در برابر شما، دلیل به این معنا که تواضع کنم. به این معنا که نفوذ پذیر باشم، عزیز یعنی نفوذ ناپذیر؛ ما در برابر کفار باید عزیز باشیم یعنی نفوذ ناپذیر! که این قدر مقام معظم رهبری تاکید دارند بر اینکه نگذارید نفوذ اتفاق بیافته، چون وقتی دشمن وارد نشده بهتر می‌شه دفعش کرد، بهتر می‌شه باهش مبارزه کرد تا وقتی داخل شد و نفوذ پیدا کرد. کاری کن تا در مردم برابر دشمن عزیز باشند، مردم رو کوپنی نکن، عزیز باش.

**أَعِزَّةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ** اینا در راه خدا جهاد می‌کنن، حالا اگر این تیپی هستیم عیبی نداره قند تو دلت آب بشه... دیروز یا پریروز ملاقات یکی از بچه‌های مدافعان حرم رفته بودیم، ایشون اطراف حرم یه هیئت داشت. 8 سال، 9 سال پیش تو اون هیئت منبر می‌رفتم، هیئت باصفایی داشت، تیر خورده به پهلوش، نزدیک یه ماهه بستریه، به شدت هم درد می‌کشه، جالبه مادرش آمده بالا سرش گفته «پسر من ان شاءالله خوب می‌شی، عیبی نداره، خوب که شدی دوباره برو، من تو رو نذر حضرت زینب کردم...» گفت خوب شدی دوباره برو، باباش اومده بالای سر پسرش گفته «بابا جان بسه دیگه، زحمت کشیدی، وظیفه ات رو انجام دادی» نیروی خوبی هست ها، تو جبهه واقعا لازمش دارن، به تجهیزات نظامی اطلاعات کافی داره و چند متری دشمن، چند متری داعش، چند متری النصره مبارزه کرده، خاطراتش رو تعریف می‌کرد، خب این آقا جهاد می‌کنه، با چی جهاد می‌کنه؟ جانش رو گذاشته کف دستش، چه مادری داره، مادره اومده بالا سرش عوض اینکه بچه رو ببینه کلی گریه کنه، قربون صدقه همدبگه برن، بعد بگه مادرم، پاره تنم، فدات بشم، خدا خیرت بده زحمت کشیدی بسه دیگه، مگه من چقدر دل دارم! اومده بالا سرش الهی خوب بشی، الهی زود خوب بشی دوباره بفرستمت. دوباره بری، و خودش این پسر هم نمی‌خواد اینجا وایسته ها. میگه بتونم رو پام وایستم میرم، مُسکن بهش می‌زنن نصف روز میره تو خواب، درد سنگین داره. قنّاسه خورده به پهلوش داخل پهلوش باز شده؛ دو زمانه بوده! بالاخره پهلوش رو از بین برده، کسانی که این تیپی هستند. اینا کیا هستن، اینا کسایی هستن که خدا اونا رو دوست داره و اونا

هم خدا رو دوست دارن، چه اتفاقی می‌افته؟ خدا کسایی که دوششون داره بهشون کار می‌سپاره، شما یکی رو دوست داری، می‌زاری بغل دست خودت، می‌گی بیا این کار رو انجام بده.

در منابع تفسیری شیعه و سنی مثلا در المیزانی که از کتب شیعه هست ذیل این آیه، پیامبر صریحا اشاره کرده اند که مربوط به مردمی از سرزمین سلمان فارسی ست، دشمنان بعد از سقیفه تا عاشورا خیل یتلاش کردند خط امامت رو منحرف کنند بیشتر از اون دیگه نتونستند. اما این اتفاق نیفتاد چرا که تاریخ چیز دیگه ای رو شهادت می‌ده: از زمان امام باقر و امام صادق بیشتر شد و اونم به خاطر صلح امام حسن مجتبی و قیام به موقع حضرت سیدالشهدا (سلام الله علیهم) این مسیر رو اهل بیت عصمت و طهارت پیش بردند.

17- در زمان امام باقر و امام صادق، این حرکت ادامه داشت تا اینکه قبایل شیعی به سمت ایران حرکت کردند، هجرت قبایل شیعی از نقاط مختلف مدینه، عراق، بغداد به سمت ایران.

18- هجرت حضرت معصومه (سلام الله علیها) داریم از مدینه به سمت ایران. حرکت حضرت معصومه (سلام الله علیها)، این حرکت حرکت ساده‌ای نیست، حرکت عادی‌ای نیست. بی حساب کتاب نیست، اینکه یه بانو حرکت کنه، با اون سن و سال در اون شرایط ناجوری که توی راه‌ها بود و با یه جمعی از امام زادگان بزرگوار... خواهر و برادرها اینا حرکت کنند بیان به سمت ایران! شاید یه پیامش این باشه که ایران براشون امنیت بیشتری نسبت به دیگر مناطق داشته... اگر نگیم نقطه امنیست، اما نسبت به نقاط دیگه امنیت بیشتری داره. نزدیک 1400 نفر حالا کمتر یا بیشتر اینا با حضرت معصومه (س) آمدند سمت ایران، اینکه شما می‌بینید ما نقاط مختلف امام زاده داریم علتی داره. حالا اون که بعضی‌ها تک و توک سوء استفاده کردند و به تعبیری امام زاده تراشی کرده اند اینها درسته و پیگیری هم شده اما همش که این طوری نیست! این فرزندان و نوادگان ائمه اطهار بودند که اومدند به سمت ایران. حاکم اون زمان وقتی متوجه شد که این افراد از خاندان اهل بیت وارد ایران شدند دستور داد راه‌های خروجی رو ببندید، اون پُلِ رابط که می‌خواست این پیام رو منتقل بکنه - خیانت بزرگی کرد! به دروغ و از پیش خود گفت - این اومد گفتش هر جا این‌ها رو دیدید بکشید. لذا این‌ها تصمیم گرفتند از هم جدا بشن، تعدادی سمت شمال، بعضی شون سمت شرق، سمت غرب، بالاخره شما می‌بینید در شیراز مثلا شاه‌چراغ، در طبس حسین بن موسی الکاظم برادر امام رضا، در شمال همین‌طور، جای‌جای مختلف می‌بینید امام‌زاده‌هایی هستند از همین 1000 و چند نفر. خب الان ساداتی هم که زیارتشون می‌کنید این‌ها امام‌زاده‌اند دیگه به نوعی؛ البته با 50 یا 60 نسل فاصله! این‌ها امام‌زاده‌هایی هستند که در خدمتشون هستید ان شاء الله (جهت مزاح با سادات جمع)

هجرت امامزادگان رو داشتیم، هجرت آقاعلی بن موسی الرضا رو داشتیم. بلاخره این حرکت‌ها به سمت ایران اتفاق افتاد. اما این سوال مهم رو شما جواب بدید: آیا در این اتفاق‌ها مردم دخالت داشتند؟ و یا آیا همه‌ی این مسائل از طرف خداست؟ سوره هود آیه 116 **فلو لا كان من القرون من قبلکم اولو بقیة ینھون عن الفساد فی الارض الا قليلا ممن انجینا منهم واتبع الذین ظلموا ما اترفوا فیہ وکانوا مجرمین.** «چرا در بین امت‌هایی که پیش از شما بودند **مصلحانی دلسوز** نبودند که مردم را از **فساد در زمین** باز دارند. مگر گروه کمی از افرادی که از میان آن‌ها نجاتشان دادیم...» تا اینجا صبر کنید! می‌گه چرا یکی قبلا نبود بسوزه؟! چرا افرادی نبودن از سر دردمندی کار کنن؟! یه نمونشو ما توضیح دادیم اسم می‌برم‌ها. محمد بن محمد بن نعمان، احمد بن اسحاق، سعد بن قمی، علی بن محمد و نمی‌دونم علی بن مهزیار اهوازی، علامه مجلسی... سوز داشتند. می‌گه چرا نبودند در امت‌های پیشین کسانی که این طوری باشند که چه اتفاقی بیافته که فساد رو از زمین کم کنند؟! جلوی فساد رو بگیرند! مگر گروه کمی. بعد خدا می‌گه «نجاتشون دادیم» یعنی چی؟ یعنی دست خدا بوده؟ (یه مثال بزیم) توی یک دانشگاهی 20 هزار نفر آزمون شرکت می‌کنند، بعد از اینکه بررسی نمرات و نتایج آزمون، از سمت دانشگاه تو سایت یا توی اخبار اطلاع رسانی می‌کنند می‌گن «ما 1400 نفر رو پذیرفتیم باقی رو نپذیرفتیم» اینا رو پذیرفتیم باقی رو نپذیرفتیم یعنی اونا رو ما پذیرفتیم و به خودشون ربطی نداشت؟ نخیر، بلکه اون یه چیزایی نشون داد و قابلیت‌هایی داشت و زحماتی کشید که ما او را پذیرفتیم و کسی که زحمتی نکشیده و نمره اش به قبولی نرسیده را نپذیرفتیم. خداوند می‌فرماید: مگر گروه کمی از افرادی که از میان آنان نجاتشان دادیم اینا رو ... ستمگران دلبسته مال و مقام می‌شدند که در آن مست و سرکش شده بودند و آنان مردمی مُجرم و گناه کار بودند.

فیلم مختارو بیشتر شما دیدید. یک بخشی از کسانی که کمک می‌کردند به این حرکت انتقام‌گیری در رکاب مختار کجایی بودند؟ ایرانی بودند. باز خود یاران مختار از غیر ایرانی کیا بودند؟ عراقی بودند. از همین دو مرکز. بعد دوش دوش مختار چه کسی بود؟ کیان بود. کیان کجایی بود؟ ایرانی بود. اینا همین جوری نیومد که خدمت بکنه که. بگه آقا من اومدم در این راه. حالا یه کسی می‌ره کاواره، یه کسی هم میره لب سواحل هاوایی، ما هم گفتیم بیایم اینجا (دوره معارف) البته اینجا باید جون بدی ها، ما اومدیم جون بدیم، چرا جون بدی؟ می‌گه واسم عزیزه این راه، اومدم یه کاری کنم... حدیث بخونم براتون.

دربهار، جلد 61 فرمودند: **رَأَيْتُ غَنَمًا سَوْدًا دَخَلَتْ فِيهَا غَنَمٌ كَثِيرٌ بَيْضٌ** فرمودند در خواب گوسفندانی دیدم سیاه که گوسفندان فراوان سفیدی در آن داخل شدند **فَقَالُوا فَمَا أَوْلَتْ** سوال کردند که آقا این خوابی که دیدید تاویلش چیه؟ گوسفندانی سیاه که

گوسفندان سفیدی در آن داخل شدند! پیامبر اکرم فرمودند: **قَالَ الْعَجَمُ يَشْرِكُونَكُمْ فِي دِينِكُمْ وَأَنْسَابِكُمْ** فرمودند آن‌ها عجم‌ها هستند یعنی فارس‌ها، یعنی ایرانی‌ها. آن‌ها در دین‌داری و هم‌خونی با شما همراه خواهند بود. **قَالُوا الْعَجَمُ يَا رَسُولَ اللَّهِ؟** تعجب کردند که ایرانی‌ها می‌خوان همراه ما باشند؟! پیامبر اکرم فرمودند: **لَوْ كَانَ الْإِيمَانُ مُعْلَقًا بِالْثُرَيَّا؟** چی می‌گید شما؟ اگر ایمان معلق به ثریا باشه، **لِنَالِهِ الرِّجَالُ مِنَ الْعَجَمِ** مردانی از عجم به آن دست خواهند یافت. امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «به زودی کوفه از مومنان خالی می‌شود و علم از شهر قم آشکار خواهد شد. این شهر، کانون دانش و فضیلت خواهد بود. از قم چنان به نشر معارف اهل بیت در گستره جهانی خواهند پرداخت که **حَتَّى لَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ مُسْتَضَعْفٌ فِي الدِّينِ حَتَّى الْمُخَدَّرَاتِ فِي الْحِجَالِ** تا جایی که زنان خانه‌دار هم نسبت به دین آگاه شود (و این اتفاق کی می‌افتد؟) **ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ الظُّهُورِ قَائِمًا صَلَوَاتُنَا عَلَيْهِ. فَيَجْعَلُ اللَّهُ قَوْمَ وَ أَهْلَهُ قَائِمِينَ الْمَقَامَ الْحُجَّةَ** نزدیک ظهور این اتفاق خواهد افتاد. قم و مردان آن به اتمام حجت خواهند پرداخت.»

سالی که قرآنی در آمریکا آتش زده شد توسط اون کشیش احمق آمریکایی، همون سال در آمریکا پنج میلیون قرآن توزیع شد. کار به جایی رسید که طرف می‌رفت کتاب‌فروشی دنبال قرآن می‌گشت، کتاب‌فروشی می‌گفت تمام شده نداریم. خب حالا این قرآن‌ها رو کی توزیع می‌کنه؟ چه کسی تولید می‌کنه؟... امروز طلاب زیادی و مبلغین زیادی حالا چه عمامه به سر، چه بی‌عمامه چه از خانم‌های محترمه چه آقایون بزرگوار، از ایران به نقاط مختلف می‌روند و تبلیغ علوم دینی دارند... شما امروزه می‌بینید در فرانسه ردپای اسلام قابل مشاهده است... برید آلمان، زمزمه‌های مسلمانان به گوش میرسه، شما تو اینترنت بزنید "مسجد هامبرگ آلمان" برید ببینید چه کار دارند می‌کنند؟...

یک عزیزی از جنوب آفریقای - آفریقای که حدود 35 کشور داره - از آفریقای جنوبی آمده بود چند ماه پیش شاید یک سال پیش من در خدمت‌شون بودم، در جلسه‌ای صحبت می‌کردیم ایشون رهبر جامعه اسلامی در آفریقای جنوبی بود می‌گفت چند هزار نفر رو خودم شیعه کردم... خب این آقا کجاییه؟ خودش ایرانیه. تربیت یافته کجاست؟ قم. کجا رفته؟ جنوب آفریقا. اگر نمی‌رفت هیچ اتفاقی نمی‌افتاد. بله! دارند کار می‌کنند، روایات داره تاویل می‌شه، چیش مونده؟ **ذَلِكَ عِنْدَ قُرْبِ الظُّهُورِ** خیلی نزدیک شدیم‌ها در طول تاریخ هیچ وقت یک همچین صحنه‌ای اتفاق نیفتاد... زیارت حضرت سید الشهداء می‌رفت گاهی دستش قطع می‌شد می‌رفت، گاهی پاش قطع می‌شد، می‌گفتند زیارت بیای دست قطع می‌کنیم‌ها! می‌گفت می‌رم، زیارت می‌رم ولی این جور نبود که موج بشه (گرچه مقدمه و زمینه‌ی بسیار مهمی برای موج‌های امروزه بود) در زمان متوکل یکی دو دهه عقب جلو تر 17 مرتبه خاک کربلا رو ملعونین ان وقت از حکام جانور صفت بنی عباسی شخم زدند!! که مردم نیان این سمت، آب بستند کربلا رو! گاهی تک و توک می‌رفتند زیارت، گاهی هم شاید جمعیت بیشتری اما در آن زمان "موج" نشد که مثلا این حرکت صداس برسه به کاخ سفید! الان شما می‌بینید تو جمعیت زائرین پیاده نجف تا کربلا چه اتفاقی می‌افتد؟ از کجاها اون جا نیرو می‌بینید؟!!

## تاریخ در گردنه ی مساسی قرار گرفته! جدی نگیرید اتفاق فوش آیندی نخواهد افتاد و اما اگر جدی بگیریید قطعا اتفاق فوبی خواهد افتاد...

می فرماید: **لَئِنْ شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ** می خواستی زیاد بشی؟؟ نمی خواستی؟ نمی گفتمی؟ 50 نفر بشیم؟ 500 نفر بشیم؟ نمی گفتمی فلان رهبر، مسلمان بشه؟ فلان شخص فلان قدرت بیاد در برابر اسلام تعظیم کنه، نشد؟! شد! امروز داره اتفاق میفته... شمال هندوستان یک منطقه ای هست 300 هزار جمعیت داره 250 هزار تا شیعه هستند. مصر جمعیتشون به شدت به سمت شیعه گرایش پیدا کرده - البته اگر این یاسر الحیب، اللهیاری و امثال اینها بگذارند! آگه ی شبکه امام حسین یک و دو سه هزاره آگر شبکه هایی امثال فدک، العباس و اینا بزارند خیلی با سرعت بیشتری اتفاق خواهد افتاد - کار به جایی رسیده که امروز در جهان اسلام یه کسی این ور عالم نامه می نویسه میگه «رفتید ببینید اسلام چیه؟! بری از سرچشمه بینی اسلام چیه...» بعد در قلب اروپا در دل کفر این نامه توزیع می شه تا الان حدود یک سوم جمعیت جوانان این نامه رو دیدند، جوانان آمریکا و اروپا...

ما با بعضی از رهبران ضد صهیونیستی جلساتی داشتیم از یکی از اینها سوال کردم پیرامون نامه مقام معظم رهبری، نامه اول آقا، گفت اون نامه روی من خیلی اثر گذاشت و من خیلی ازش استفاده می کنم. یک آقای ام اخیرا در یکی از کشورها - اخبار نشون می داد - روی نامه دوم مقام معظم رهبری باز داره کار می کنه... از اینها زیاد داریمها! این اتفاق در طول تاریخ کی افتاده؟ علی بن ابیطالب به مالک اشتر گفت مالک جان حرکت کن برو مصر - نشون دادیم دیگه تصویرش رو گسترش سازمان وکالت - رفت مصر ولی جواب داد؟! بعد حضرت تو نامه نوشتند "مالک! اگر رفتی یار نداشته نمی شه حکومت زد! حکومت وقتی میشه که مردم بخوان..."

اون کسی که ظهور رو امضا میکنه خداست، خدا امضا می زنه حرکت مردم را، صد درصد مردم دخالت دارند (چه تقصیر، چه تأثیر) و صد درصد خدا نیز تأثیر داره... مثل اینکه شما می خوای گواهی نامه بگیری، شما باید زحمت بکشی، سیصد صفحه کتاب بخونی، 250 هزار تومان پول خرج کنی، ده جلسه تو شهری و دو ساعت برید تمرین و ... تا بعد پذیرفته بشید، تست هم که قبول شدید، جناب سرهنگ اگر مثلا قبول شده باشیم امضاء میزنه... جناب سرهنگ نگاه می کنه صد می کنه، می گه خب شما قبولی و می تونی پشت فرمون بنشین، اینم امضاء... بلا تشبیه؛ خدا امضاء می زنه، **از تو حرکت از خدا برکت، سوره رعد آیه ۱۱ یا سوره انفال آیه ۵۴ رو ملاحظه کنید... این ماییم که باید حرکتی کنیم، ما باید خرج کنیم، ما باید وقت بگذاریم، مثل زحمتی که شما بزرگواران می کشید در نقاط مختلف، من جمله این جلسه که تشریف میارید می گید «بلاخره یک کاری می خوایم انجام بدیم، بسه دیگه، فقط زندگی خودمون بسه، یک مدل دیگه می خوایم زندگی کنیم می شه مفید بود... می شه یاری کرد...» امام زمان می گه بین من نیرو ندارم**

درسته توی این منطقه تو رو دارم، هر کسی از یک منطقه‌ای اومدید می‌گه اگر فرد دیگه داشتیم که بلاخره استفاده می‌کردم! تو رو دارم می‌خوام دستت رو بگیرم، می‌خوام بزرگت کنم، می‌خوام فرمانده ات کنم، می‌خوام بهت موقعیت بدم، مگه نمی‌گفتی «یابن الحسن یاری، یابن الحسن آقا ما هستیم!» الان وقتشه! یک کارایی نکن، ظرف آگه تمیز باشه این اتفاق خواهد افتاد. **لئن شکرتم لأزیدنکم** نعمتی بهت می‌دیم شکر کردی زیادش می‌کنیم.

احمد بن اسحاق اومد چون داد خدا زیادش کرد، حسین بن روح اومد سنگ تمام گذاشت، خدا زیادش کرد، علی بن مهزیار اهوازی آمد چنین بود خدا زیاد کرد. می‌گه به تو یک موقعیتی می‌دیم شکر کردی، موقعیت بعدی، شکر کردی موقعیت بعدی، اما آگه کفران کنی **إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ** مراقب باشید چه می‌کنیم به چه کسی رای می‌دیم و زیر بیرق کی سینه می‌زنیم؟! تاریخ تو لحظه‌ی حساسی قرار گرفته. مالک اشتر حرکت می‌کنه، میره مصر به نوعی دست خالی بر می‌گرده، خوب مالک اشتر بازو راست علی بن ابیطالب...

علی بن موسی‌الرضا هم می‌تونستند دم مرز شهید کنند. اما مردم عنایت داشتند، پذیرایی کردند مثلا در نیشابور چه اتفاقی افتاد؟ به‌خاطر اینکه مردم حمایت کردند مامون یک جاهایی نتونست وارد بشه، و از این فرصت علی بن موسی‌الرضا (سلام الله علیه) نیز استفاده‌ی تبلیغاتی کردند به نفع اسلام جریانات زیادی که خب اینجا جای صحبتش نیست که اتفاق می‌افتاد...

امروز شما از کنار کاخ سفید صدای **هیهات منا الذله** می‌شنوید امروز شما جنبش وال استریت 99 درصدی می‌بینید! شوروی که قبلا فرو پاشید، هندوستان رو هم که گاندی تا حدی پیش برد و تغییراتی ایجاد شد، محمدعلی جناح هم پاکستان رو نجات داد، بالاخره کم و بیش تو کشورهای مختلف ما الان جمعیت شیعی داریم... الان همه‌ی مسلمانا چقدره؟ تقریبا 2 میلیارد و نیم، بعضی از مرکز آمارهایی که بنده نگاه کردم می‌گن یازده درصدشون شیعه هستند، بعضی می‌گن بیست درصد شیعه هستند، خب 2 میلیارد 10 درصدش می‌شه چقدر؟ 200 میلیون، 20 درصد می‌شه چقدر؟ 400 میلیون!! در زمان امام سجاد چند نفر روی کره زمین شیعه و اهل معرفت بودند؟ 4 - 5 نفر، دشمنان این امام رو بشهادت برسونن! اون امام رو مسموم کنن! اون امام دیگری رو زندانی! امامی رو تبعید! امام عسکری (سلام الله علیه) مگه می‌تونست از خونه بیاد بیرون؟! انیمیشنش رو هم ساختند "شاهزاده روم" ندیدین شما؟... دم درب خانه امام عسکری نگهبان داشت، اگر هم کسی بخواد با امام ارتباطی برقرار بکنه مثلا در غالب روغن فروش بود که هیچ یک از غریبه‌ها نفهمیدند این روغن فروش که میومد روغن می‌فروخت این پل رابط حضرت بود نامه جابجا می‌کرد، تو این تین های روغن، نامه‌ها رو جاسازی کرده و انتقال می‌داد! امام تو عصا نامه جاسازی می‌کرد! می‌گفت اینو ببر. چقدر خفقان بود، خب این جووری که در دشمنی‌ها می‌بینیم و پیش میرفت شاید باید شیعه و شیعیان بارها متلاشی می‌شدند! هیچی نباید می‌ماند! اما امروز به لطف خدا، توجه ائمه و همت مردم، می‌بینید قدرتمندترین ظالم زمانه، همه گزینه‌هاشو ریخته رو میز، می‌گه گزینه‌های ما

همه رو میزه - یعنی چی؟ یعنی دیگه نداریم، هرچی داریم رو میزه - هر چی هست داریم ازش استفاده می‌کنیم که چه اتفاقی بیفته؟ که سر به تن شما مسلمانان نباشه! اما حقیقتا چه اتفاقی داره می‌افته؟ امروز تو عالم دارید چی می‌بینید؟

آخوند چینی دات کام رو دیدین؟ چرا می‌خندین؟ دیدین یک بخشیش رو با هم ببینیم خب الان می‌گذارم ببینید این رو بچه‌ها می‌گذارن رو سایت انشاالله اگر خواستید دانلود کنید ([www.mahdaviat313.com](http://www.mahdaviat313.com)) یادگرفتن زبان چینی خیلی سخته، حدود 3500 کاراکتر تصویر داره که هر تصویر با اون تصویر دیگه فرق می‌کنه، اگر من بخوام زیان چینی یاد بگیرم باید 3500 تصویر تو ذهنم حفظ کنم، پوستت کنده میشه، ایشون (فرد مورد بحث؛ آخوند چینی) به گمانم زبان فرانسه کار می‌کنه بعد می‌گه دیدم اون جایی که باید کار بشه اینجا نیست، ببینید می‌گه رفتم دنبال خلاء ها!

مردم چین نیاز دارن. چه جمعیتی؟ چین که سه شیفته داره کار می‌کنه اگر با اسلام آشنا بشن چه کار می‌کنن؟ تو یه همایشی در چین از ایشون سوال می‌پرسن که نظر اسلام در مورد زن چیه؟ ایشون این توضیحاتی میده و دانشجوها از رضایت به نظر اسلام درباره ی وجود زن، خوشحال شده و کف می‌زنن...

آموزش زبان در کجا؟ در ایران، خودش کجاییه؟ ایرانی، کجا داره صادر می‌کنه؟ چین. چی داره صادر می‌کنه؟ دین. ارسال دین به چین. ما وقتی می‌خوایم با هم ارتباط برقرار کنیم از طریق اینترنت و اینا چی کار می‌کنیم؟ نامه‌نگاری هامون با چیه؟ ایمیل، اونا با چیه؟ qq (کیو کیو) ایشون با کسایی که در چین بخواد ارتباط برقرار بکنه از این طریق، دورا دور مرتبطه. نرم‌افزاری هم تولید کرده به زبان چینی، معارف و نکات و اصول و فروع دین اسلام و تفسیر قرآن و غیره به زبان چینی... من به ایشون می‌گم مالک اشتر امام زمان (عج)! حضرت امیر مالک رو فرستاد مصر در دوران ظهور امام گرچه سختی هایی هم داشت، اما ایشون در دوران غیبتِ امام، و با سختی های بیشتر... حرکت رفت سمت کجا؟ و امثال ایشون دارن کار می‌کنن، گرچه خب عاقبت هیچ کس معلوم نیست. خدا همه مون رو در عاقبت بخیری موفق کنه ان شاءالله...

دشمن هم البته بیکار نمیشینه! اما می‌بینید به چه سرعتی اسلام داره رشد می‌کنه... از اون طرف هم ما دخالت‌های دشمن رو همیشه داشتیم. در بعضی کشورهای خاورمیانه تظاهرات می‌کنند و شعار میدن: **إرْحَلْ ارْحَلْ** یعنی برو گم شو. به کی داره می‌گه برو گمشو؟ به کسی که یه مدت واسشون بالا سر بوده و ظالم بوده! این مردم یه زمانی جرئت نمی‌کردند به آمریکا تو بگن - قبل انقلاب - اما پرچم آمریکا رو اول کجا آتیش زد؟ ایران. مرگ بر آمریکا رو اول کجا گفتند؟ ایران. انقلاب اسلامی از کجا صادر شد؟ ایران...

دشمنان امروزه بیشتر از هر زمانی احساس خطر می کنند! می ترسن ها! جمعیت اسلام کمه؟؟ اخوان المسلمین نیرو ندارند؟! مصر با اسرائیله؟! می ترسن حقیقت رو بگن.... نتیجه اش رو شما بگید؟ یه جمله؟

حالا اون مطلبی که اول جلسه عرض کردم که در انتها خواهم گفت رو بگم : خلاصه کنیم تو یه جمله. این قطار به مقصد خیلی نزدیک شده اما امروز کار رو به کی سپرده اند؟؟ به من و شماها. اگر حرکت خوبی انجام دادیم خدا عمل مون رو در تاریخ ثبت می کنه و برکت می بخشه، اما اگر کوتاهی کنیم لکه ی ننگی بر دامن تاریخ از خودمون به جای خواهیم گذاشت!! مسئله رو جدی بگیریم. تو دانشگاه، تو مسجد، تو هیئت، تو محله، تو اقوام، محل کار ... یه کار خوبی رو شروع بکنیم، بگیریم یا صاحب الزمان من چین نمی تونم برم، من این کار رو نمی تونم انجام بدم من بُردَم کمتره، میکروفنِ من ضعیف تره، اما عیبی نداره، یک کار که می تونم انجام بدم، یک خلاء تو اقوام، تو هیئت ... یک خلاء رو پر کنیم، نه اینکه بریم سُک سُک کنیم برگردیم ها! یه خلاء رو پر کنیم...

حجة الاسلام و المسلمین علمداری

موضوع : جغرافیای شیعه و گسترش سازمان وکالت

زمان : جمعه ۱۳۹۴/۹/۲۰